

سه‌شنبه • ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۲ • سال دهم • شماره ۱۷۳۸ • ۷

روزنامه شرق جهان	
نسل‌کشی فراموش‌شده	صفحه ۸
مقایسه اجمالی قانون اساسی پیشین و جدید مصر	صفحه ۹
مرد تمام‌نشدنی	صفحه ۱۰

نگاه
بحرین و ادامه کشتار مردم
حسن هانی‌زاده

بیش از ۲۷ ماه است که از بحران داخلی جزیره بحرین می‌گذرد در حالی که جامعه جهانی واکنش مناسبی نسبت به کشتار مردم بحرین از خود نشان نداده است.

هر چند ششورای حقوق بشر سازمان ملل متحد اخیرا در نشست سالانه خود در شهر ژنو سوییس نسبت به نقض آشکار حقوق بشر در بحرین ابراز نگرانی کرد اما سازوکار قابل قبولی برای محکومیت رژیم آل خلیفه تعریف نکرد.خاتم‌نایوبی بیلای کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل در گزارش خود موارد بی‌شماری از دستگیری و شکنجه فعالان حقوق بشر بحرین را برشمرد و خواستار اعزام یک گزارشگر حقوق بشر به بحرین شد اما این درخواست عملیاتی نشد.

با توجه به اینکه رژیم بحرین به رسانه‌های خارجی اجازه تهیه گزارش از وضعیت میدانی درگیری‌های داخلی بحرین را نمی‌دهد، بنابراین اعزام یک گزارشگر ویژه حقوق بشر می‌تواند به شفافسازی اوضاع بحران این جزیره کمک کند.

در شرایطی که بیش از ۲۷ ماه از قیام ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ بحرین می‌گذرد سازمان‌های مدعی دفاع از حقوق بشر به دلیل تاثیرپذیری از نظام سلطه و نگاه دوگانه‌ای که به‌ انقلاب‌های عربی دارند در برابر جنایات رژیم آل خلیفه سکوت اختیار کرده‌اند. بیش از هزارو ۷۰۰ مورد نقض حقوق بشر توسط رژیم بحرین در طول ۲۷ ماه گذشته از سوی سازمان‌های مخالف دولت سر کویتگر بحرین ثبت شده که ۱۶۰مورد از شکنجه‌های اعمال‌شده منجر به شهادت شده است.

جمعیت‌الوفاق که بزرگ‌ترین اپوزیسیون بحرین به‌شمار می‌رود بارها برای پایان‌دادن به بحران داخلی جزیره بحرین آمادگی خود را برای گفت‌وگو با حاکمیت اعلام کرد. با این حال هم رژیم آل خلیفه وهم رژیم آل‌سعود اخیرا دامنه حملات خود را علیه مردم بحرین گسترش داده‌اند و این امر از وجود یک برنامه مشترک سعودی بحرینی برای سرکوب تظاهرات مردم جزیره بحرین حکایت دارد.

رژیم عللی و ضدششیری آل خلیفه که بیش از ۴۰ سال است بر اکثریت ۸۰درصدی ملت بحرین حکومت می‌کند به دلیل چسبندگی به آمریکا و غرب بدترین شیوه‌های شکنجه و سرکوب را در حق مردم بحرین مرتکب شده است.

آل خلیفه که تا قرن ۱۹ میلادی در حجاز ساکن بودند و به راهزنی دریایی اشتغال داشتند، توسط دولت بریتانیا به بحرین منتقل شدند و به تدریج دولت‌های وقت انگلیس این خانواده راهزن را بر مقدرات ملت بحرین مسلط ساخت.

جدایی دردناک بحرین از خاک ایران که به دلیل ضعف و سستی رژیم سابق ایران صورت گرفت این اسکان را به خاندان خلیفه داد تا حاکمیت خود را بر این جزیره ایرانی گسترش دهند.

از سال ۱۹۹۹ با مرگ شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه امیر سابق بحرین و به قدرت‌رسیدن فرزندان شیخ‌حمد بن‌عیسی آل خلیفه به عنوان پادشاه بحرین انتظار می‌رفت که آزادی‌های فردی و اجتماعی در این جزیره، محترم شمرده شود، اما نقض حقوق بشر در دوران پادشاه جدید بحرین افزایش یافت. شیخ‌حمدبن‌عیسی از رهگذر برقراری رابطه آشکار با لابی صهیونیستی و ارتباط نزدیک با انگلیس و رسانه‌های غربی به نوعی بر جنایات خود علیه اکثریت ملت بحرین سربوش گذاشت. شیخ‌حمد در طول حاکمیت ۱۴ساله خود دایره مشارکت جمعی را در جزیره بحرین به‌شدت تنگ کرده و اهرم‌های قدرت را در اختیار خانواده خود قرار داده است.

در دوران حاکمیت شیخ حمدبن‌عیسی از مجموع ۱۸وزارتخانه موجود ۱۵ وزارتخانه کلیدی در اختیار خاندان خلیفه قرارگرفت و اکثریت مردم بحرین به حاشیه رانده شدند.

پادشاه بحرین از رهگذر تسلط کامل بر اهرم‌های قدرت و قرار دادن نزدیکان خود در راس سازمان‌های امنیتی بحرین تلاش کرد تا یک امنیت گورستانی در این جزیره به‌شدت شکننده برقرار کند. بیش از ۱۴هزار نفر از فعالان حقوق بشر و رهبران گروه‌های اپوزیسیون در طول یک دهه گذشته توسط سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی بحرین بازداشت و تحت‌شکنجه قرون‌وسطایی قرار گرفته‌اند که این رقم با توجه به جمعیت ۷۰۰هزار نفری بحرین رقم بالایی را تشکیل می‌دهد. اما با توجه به اینکه اخیرا سازمان‌های مدعی دفاع از حقوق بشر مانند ششورای حقوق بشر سازمان ملل به‌طور آشکار از وضعیت حقوق بشر بحرین ابراز نگرانی کرده‌اند به نظر می‌رسد این موضع‌گیری چندان جدی نیست.

از سوی دیگر با توجه به انتقادهایی که از سوی جامعه جهانی نسبت به نگاه دوگانه آمریکا به وضعیت حقوق بشر در جهان صورت می‌گیرد بنابراین آمریکا درصدد بازسازی سیاست‌های مربوط به حقوق بشر خود در قبال بحرین برآمده است.

به نظر می‌رسد وزارت‌خارجه آمریکا به شورای حقوق بشر سازمان ملل این اجازه را داده که خاندان آل خلیفه را به دلیل اعمال خشونت‌های غیرقابل توجیه به صورتی مستقیم و آشکار مورد انتقادقرار دهد. بنابراین درصورتی‌که گزارشگر حقوق بشر سازمان ملل در آینده از نقض حقوق بشر در بحرین گزارش تهیه کند، رژیم آل خلیفه در نزد افکار عمومی جهان دچار انزوا خواهد شد، هر چند نشانه‌های زیادی وجود دارد که ثابت می‌کند حکام بحرین اهمیت چندانی به گزارش دیدهبانان حقوق بشر نمی‌دهند.

اکنون ملت بحرین پس از گذشت بیش از دو سال از طرح مطالبات خود درصدد بازنگری در تظاهرات مسالمت‌آمیز خود هستند زیرا ادامه این شیوه‌ها تاکنون نتایج‌ای به‌همراه نداشته است.

✽ **کارشناس مسایل جهان عرب**

یادداشت

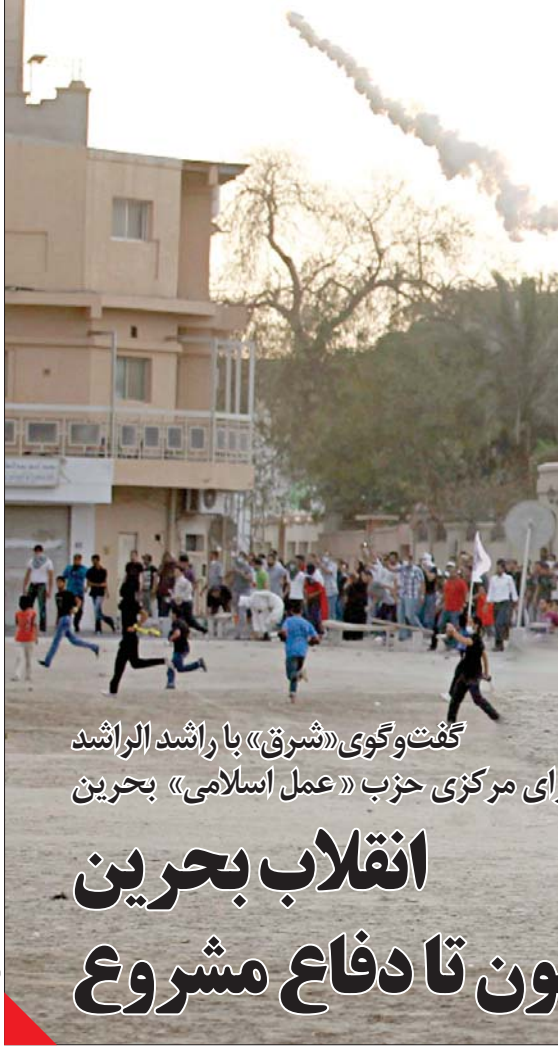
سردی حقوق بشر در گرمای بحرین

حسین احمدی‌نیاز

وضعیت حقوق بشر در کشورهای عربی همانند داستان دموکراسی در این دولت‌هاست، کارشناسان حوزه سیاسی معتقدند دموکراسی در کشورهای حوزه خلیج‌فارس از ضعف نسبی برخوردار است و سلطنت و پادشاهی این منطقه روی خوشی به حقوق بشر نشان نداده که این امر مساله‌ای طبیعی است زیرا حقوق بشر منطق با این روش حکمرانی که فارغ از مشروطیت و قید و بندی است جور در نمی‌آید. از سوی دیگر قاموس حقوق شناخته شده سازمان کنفرانس اسلامی که دولت بحرین نیز یکی از اعضای دایمی آن محسوب می‌شود با تصویب منشور و اعلامیه حقوق بشر اسلامی همه اعضا را به رعایت آن فراخوانده است اگرچه رعایت این قواعد جزو تعهدات بنیادین دولت‌ها در حوزه حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود و در شمار قواعد آمره بین‌المللی قرار دارد که تخلفی از آن مسوولیت بین‌المللی دولت خالی را به همراه دارد. از سوی دیگر سازمان کنفرانس اسلامی مبادرت به تأسیس دادگاه حقوق بشر اسلامی که مقرر آن در کویت قرار دارد کرده بود که متأسفانه به علت عدم حضاصل لازم در تصویب اساسنامه آن از سوی اعضا هنوز از قدرت لازم‌الاجرای برخوردار نشده است. تحولات بحرین که با خیزش یپار عربی آغاز شد بنا بر دلایل عدیدهای یتیم واقع شده و متأسفانه رنگ و بوی نفت و سیاست مانع از احقاق حق معترضان و فعالان بحرینی شده، اگرچه این امر و سرکوب شدید آن نتوانسته است از عزم قابل ستایش فعالان حقوق بشری بحرسین بکاهد. سرکوب‌ها موجب بلند شدن اعتراض سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر از دیدبان حقوق بشر گرفته تا غوغا بین‌الملل شده است. موارد و مصادیق نقض حقوق بشر مستند و مدلل بوده و به صورت سیستماتیک صورت گرفته است. به‌خصوص محاکمه تیم درمانی معترضان از پزشکان و پرستاران گرفته تا کسانی که طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی مکلف به یاری رساندن به مجروحان بودند. واقعیت مساله این است شهروندان بحرینی حسب قواعد و مقررات حقوق بین‌المللی بشر از حق اعتراض و مطالبه حق و حقوق شهروندی و انسانی برخوردارند. آنان خواستار حقوق برابر با اقلیت حاکم بر جامعه هستند؛ حق برخورداری از سهم‌شدن در حق تعیین سرنوشت، حق استفاده برگزاری مراسم‌های مذهبی، حق مشارکت برابر در حاکمیت ملی، حق برخورداری از امکانات سیاسی و … هستند. قواعد حقوق بشر مجموعه نظام‌اتی است برای پاسداشت کرامت انسانی و الزام به رعایت آن در ماه دوم از اعلامیه جهانی حقوق بشر و مواد ۱۵ و ۲۷ میثاقین حقوق مدنی

سیاسی و اجتماعی و فرهنگی رعایت این حقوق به‌طور کامل مورد تأکید قرار گرفته است. شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد از تمامی دولت‌های عضو خواستار تکريم و ایجاد سازوکار مناسب اجرای این حقوق است. اما آنچه باعث تضییع این امر شده است منفعت‌طلبی حکمای منطقه و کشورهای غربی به بحرین است. اما درخت تنومند نهضت حقوق بشری بحرینی‌ها با بوی نفت و سیاست قطع نخواهد شد.

✽**کارشناس روابط بین‌الملل**



Reuters، عکس

دموکراسی و حقوق بشرند. این خود مساله‌ای اساسی است. مساله دوم این است که بحرین به خاطر اکثریت اهل شیعه خود مورد حمله است و شورای همکاری خلیج‌فارس بر این نظر است که شیعه نباید به دموکراسی، آزادی یا عدالت اجتماعی دست یابد.

نقش کنونی عربستان در بحرین تا چه حد است؟
آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها نمی‌خواهند حقوق بشر یا دموکراسی به رژیم‌های سیاسی و شیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس و کشورهای این منطقه برسد. به همین خاطر آنها به ارتش عربستان سعودی در ورود به بحرین و سرکوب مردم چراغ‌سبز نشان دادند، یعنی برای اولین‌بار است ارتشی بیگانه در مقابل تظاهرات و قیام مردمی به این شکل قرار گرفته است. همچنین بدون دستور و اجازه شورای امنیت سازمان ملل متحد، این تجاوز صورت گرفت. در حالی که هر ارتشی نمی‌تواند بدون اجازه شورای امنیت به کشوری دیگر رود. یعنی آمریکایی‌ها به ارتش عربستان سعودی دستور دادند که به این گونه در بحرین دخالت کنند چرا که می‌ترسند اگر انقلاب بحرین به پیروزی برسد خود رژیم‌های آل‌سعود و همچنین همه شیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس تحت‌تاثیر افزایش مشکلات سیاسی قرار گیرند.

آل خلیفه تاکنون دو بار مانع از ورود «خوان ماندیز» مخبر شکنجه سازمان ملل‌متحد به بحرین شده است. اکنون هم با وجود صدور توصیه‌های کمیته شورای حقوق بشر و صدور گزارش کمیته حقیقت‌یاب «شریف بسبونی» مسوولان بحرینی به هیچ‌یک از توصیه‌های این کمیته عمل نکرده‌اند: امری که واکنش‌هایی را از سوی واشنگتن برانگیخته است. با این حال شما این توصیه‌ها و تأییدهای مقامات آمریکایی را در جهت فشار بر بحرین تلقی نمی‌کنید؟

این رویکرد تاحدی فشار بر دولت بحرین هست، اما باید گفت با اجازه آمریکا ارتش عربستان در بحرین دخالت کرد. ما معتقدیم که آمریکا به هیچ‌وجه به نفع مردم ما در بحرین تاشن نمی‌کند، اما فشارهایی که در زمینه‌های حقوق بشر علیه آل‌سعود و آل خلیفه وارد می‌کند به دلیل فشارهای مردم بحرین در خیابان‌هاست. آمریکایی‌ها نمی‌خواهند رژیم‌های عربی در منطقه خلیج‌فارس برکنار شوند؛ یعنی اکنون بسیاری از کشورهای جهان و حتی کشورهای غربی در حال طی روند رسیدن به دموکراسی هر چند نسبی هستند. اما در منطقه خلیج‌فارس رژیم‌های سیاسی بدون قانون اساسی و پارلمان هستند. آمریکا به دلیل نفوذ و سیطره بر منابع نفت این منطقه تلاش نمی‌کند تا دموکراسی در این منطقه نفوذ یابد. آنها می‌ترسند اگر انقلاب بحرین به پیروزی رسد، بر دیگر کشورهای شورای همکاری تأثیر بگذارد.

نقش کنونی سازمان ملل و سازمان‌های زیر پوشش آن در توجه به مسایل بحرین را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دو سال از سکوت جامعه جهانی، سازمان ملل، شورای امنیت سازمان ملل در مورد مردم بحرین می‌گذرد. متأسفانه سازمان ملل وجود واقعی و حقیقی ندارد. این سازمان در صحنه جهانی زیردست غرب و آمریکا است. در موضوع حقوق بشر هم در ژنو دربارہ بسیاری از کشورها در مورد حقوق بشر صحبت می‌کنند، اما مساله آل خلیفه و نقض حقوق بشر در بحرین مورد توجه جدی قرار نرفته است. هنوز دیکتاتورهایی در جهان عرب و اسلامی ادامه یافته‌اند.

رئیس شورای مشورتی جمعیت اسلامی الوفاق بحرین هشدار داد سیاست‌های تبعیض‌آمیز رژیم آل خلیفه می‌تواند زمینه‌ساز جنگ طایفه‌ای داخلی در این کشور شود. با توجه به این امر ممکن است نوعی جنگ داخلی در بحرین همچون وضعیت سوریه اتفاق بیفتد؟

فکر نمی‌کنم در بحرین جنگ داخلی اتفاق افتد. بحرین بسیار کوچک است. مشکل اصلی در بحرین مشکلات مذهبی نیست نیست مشکل مردم بحرین با آل خلیفه و دیکتاتوری آن است.

آیا می‌توان گفت که مشکل دولت آل خلیفه به نوعی ایجاد درگیری بین شیعه و سنی در بحرین است؟

آل خلیفه این رویکرد را از ۲۰۰ سال قبل مورد توجه قرار داده است. یعنی هر باری که مشکلات سیاسی دارند از این حربه بهره می‌گیرند. اما اکنون قیام مردم بحرین اهداف سیاسی و ملی و ارتباط با حقوق بشر و عدالت اجتماعی دموکراسی و… دارد.

آیا همه کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس همکاری گسترده سیاسی و امنیتی در سرکوب مخالفان بحرینی ایفا می‌کنند؟

بله. خود من از مخالفان هستم و نمی‌توانم به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بروم. حتی برای حج هم نمی‌توانم به عربستان بروم. چرا که این کشورها نمی‌خواهند دموکراسی در منطقه مورد توجه قرار گیرد. عربستان، امارات و قطر هم همکاری گسترده امنیتی و نظامی با آل خلیفه دارند.

حتی دولت عمان هم این‌گونه است؟
بله. ماه گذشته تعدادی از مخالفان و فراری‌ها که به عمان رفتند دستگیر شدند و به بحرین بازگردانده شده و به زندان افتادند.

آیا جنبش اخوان در منطقه به‌ویژه اخوان در مصر توجیهی به انقلاب مردمی بحرین داشته یا اینکه به حمایت از دولت پرداخته است؟

مشکلات داخلی مصر بسیار زیاد است. مصر تأثیر مهمی در جهان عرب دارد، اما فکر می‌کنم بنا به دلایل داخلی به موضوع بحرین توجهی نمی‌کند و از انقلاب بحرین حمایت نمی‌کنند. همچنین اخوان رابطه خوبی با عربستان دارد. در هفته اول رئیس‌جمهوری مصر به عربستان رفت بنابراین نمی‌توان توقع حمایت مصر از انقلاب بحرین را داشت.

انقلاب بحرین به چه سمتی پیش می‌رود؟
تا مردم بحرین نفس دارند این انقلاب ادامه خواهد یافت. در گذشته در دهه ۹۰ میلادی انتفاضه شش‌ساله وجود داشت و حالا هم مردم بحرین انقلاب را ادامه می‌دهند. ما مطمئیم که انقلاب آن‌شالله ادامه خواهد یافت تا دموکراسی در بحرین برقرار شود. به‌طور قطع ما به پیروزی می‌رسیم. مردم هم بر خلاف گذشته انگیزه و اراده کافی برای تغییر رژیم دارند.

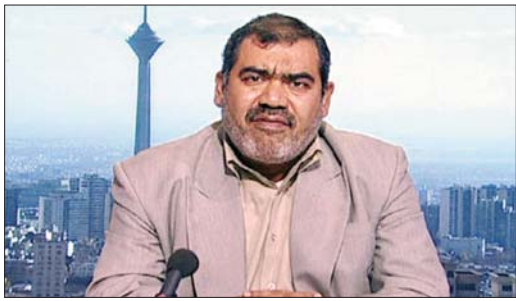
از مردم کشته شده‌اند. با این حال با گذشت دو سال این گفت‌وگو‌ها هم به موفقیت نرسیده است. هنوز الوفاق به مذاکره و گفت‌وگو با دولت فکر می‌کند. این یکی از همان نکاتی است که مردم بحرین نمی‌خواهند؛ یعنی شعارهایی همچون لاحوار لاحوار حتی یسقط النظام (گفت‌وگو نه، گفت‌وگو نه، تا اینکه نظام سرنگون شود) وجود دارد. اما الوفاق می‌گوید باید از هر راهی که از سوی حکومت باز می‌شود، استفاده کرد. در حالی که این منطق انقلابی نیست. مردم بحرین چیز دیگری را می‌خواهند و الوفاق هم به‌دنبال نظرات خود است. در هر حال روشن است که مردم در بحرین گفت‌وگو با آل خلیفه را نمی‌پذیرند. با این حال باید توجه داشت در حالی که رژیم مردم را می‌کشد، با کسانی که قاتل هستند و هتک‌حرمت به ناموس مردم می‌کنند چگونه گفت‌وگوی داشته باشیم؟

آیا شما رویکرد الوفاق را در نگاه به آل خلیفه نمی‌پذیرید؟

نه قطعاً نمی‌پذیریم. به‌ویژه اینکه ما به‌دنبال خواسته مردم هستیم و الوفاق هنوز به سقوط نظام نپا ندارد.

سیاست تابعیت دادن به شهروندان کشورهای دیگر در بحرین تا چه حدی مورد اعتراض جریان‌های سیاسی است؟

این امر از مشکلات سیاسی بزرگ در بحرین است. از آنجایی که آل خلیفه از مردم بحرین می‌ترسد، دست به دادن تابعیت زده است. دولت بحرین با کسب مالکیت اراضی بحرین، از سراسر جهان به‌ویژه پاکستان، بنگلادش، اردن و حتی سوریه و… تابعیت صادر می‌کند. حکومت در سמהه گذشته شروع به دادن گذرنامه به بعضی‌های عراق و فداییان صدام (که از عراق فرار کرده‌اند) کرده است. دولت بحرین این افراد را به بحرین آورده تا از این طریق بتواند بافت جمعیتی بحرین را تغییر دهد و در عین حال در ارکان امنیتی نیرو جذب کند. یعنی مزدوران را بر ارتش، وزارت کشور، شورای امنیت کشور آورده و اکنون یک بحرینی در این سازمان‌ها وجود ندارد. این از مشکلات بزرگ بحرین است. ما می‌گوییم آل خلیفه به‌دلیل مشکل سیاسی با انتقال تابعیت‌هایی به کشورهای دیگر داده است. در واقع می‌توان گفت نیروهای ارتش، پلیس، گارد ملی همه بیگانه هستند و ما هم نمی‌توانیم بگوییم که اینها بحرینی هستند. بنابراین خواست مردم بحرین صرفاًدینی و مذهبی نیست. گذشته از این تابعیت دادن به شهروندان کشورهای دیگر در کشوری چون بحرین، این موضوع هم برای منطقه و هم بحرین خطرناک است چرا که با گذرنامه بحرین می‌توانید به هر کشور عرب یا شورای همکاری خلیج‌فارس بروید و این سیاست برای کشورهای دیگر هم خطرناک است.



✽ **آیا رویکرد «الوفاق» در چند ماه گذشته به عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های مخالف انقلاب در گفت‌وگو‌ها با دولت بحرین توانسته است جلو سرکوبگری دولت بحرین را بگیرد؟**

مساله این است که الوفاق مهم‌ترین گروه سیاسی بحرین نیست. الوفاق حزبی انقلابی نیست. این انقلاب به دعوت گروه‌های سیاسی بحرینی که رهبران آنها اکنون در زندان هستند، شروع شد. الوفاق هیچ‌وقت به این مساله که مردم آل خلیفه را نمی‌خواهند، توجه نکرده است. گروه الوفاق به‌دنبال پادشاهی مشروطه هست ولی مردم بحرین دنبال سرنوشتی آل خلیفه هستند. مردم بحرین به‌دلیل رسیدن به پادشاهی مشروطیت یا اصلاح رژیم سیاسی آل خلیفه قیام نکرده‌اند. دو سال تعداد زیادی شهید داده‌ایم اما این مساله به‌دلیل پادشاهی مشروطه نبوده، بلکه براندازی رژیم موردنظر است. اکنون هم پادشاهی مشروطه در بحرین وجود دارد. در واقع مردم از آل خلیفه خسته شده‌اند و پادشاهی در بحرین را نمی‌پذیرند. اما گروه‌های انقلابی در بحرین و رهبران این انقلاب همگی با در زندان یا به صورت تبعید در خارج از کشور به‌سری برند.

یعنی مردم بحرین جلوتر از الوفاق حرکت می‌کنند؟
بله، درست است. الوفاق بارها گفته مرگ بر آمریکا و آل خلیفه نگویید، اما مردم بحرین در خیابان‌ها مرگ بر آمریکا و مرگ بر آل خلیفه می‌گویند.

از دید شما جدا از الوفاق مهم‌ترین جریان‌های سیاسی – انقلابی در بحرین برای تدوام انقلاب در شرایط کنونی کدام گروه‌ها هستند؟

انقلاب مردم بحرین زمینه‌های مختلفی داشت. الوفاق یکی از گروه‌های سیاسی مهم در بحرین است، اما گروه‌های سیاسی مهم دیگری مانند «جنبش وفاق‌الاسلام» و رهبری استاد عبدالوهاب حسین (در زندان و محکوم به زندان ابد هست) در انقلاب نقش دارند. جریان دیگر «جریان حق» با رهبری استاد حسن مشیمه است. وی هم در زندان و با حکم حبس ابد است. همچنین «جنبش عمل اسلامی بحرین» به رهبری علامه شیخ علی محفوظ است. علامه‌محفوظ هم در زندان است. اینها جریان‌های مخالف با آل خلیفه هستند. رهبران این جریان‌ها ایستادگی کرده و گفته‌اند به دنبال برپایی رژیم جمهوری و سرنوشتی آل خلیفه هستند. «هان ان‌شالله تا سرنوشتی آل خلیفه این انقلاب را ادامه می‌دهیم». این سخنان رهبران حقیقی این انقلاب است که یا در زندان، یا در خارج از کشور در تبعید هستند.

آیا اکنون جنبش الوفاق دست به مذاکراتی با دولت زده است؟
الوفاق از آغاز انقلاب دست به گفت‌وگو با دولت زده و فکر می‌کند با گفت‌وگو مساله حل می‌شود، اما مردم می‌گویند با این دولت نمی‌توان گفت‌وگو کرد چراکه تعداد زیادی

فرزاد ر مضانی‌بونش: پس از آنکه دامنه قیام‌های خاورمیانه‌ای از تونس آغاز شد، بحرینی‌ها نیز به طرح مطالبات خود پرداختند. اما این انقلاب جدا از مداخله خارجی نیروهای سیر جزیره با چالش‌ها و مشکلات فراونی روبه‌رو بود و عملاً به‌رمع همانندی‌های بسیار، انقلاب بحرین با دیگر انقلاب‌های عربی، در عمل با مقاومت همه‌جانبه‌ساختار سیاسی حاکم و حامیان منطقه‌ای آن روبه‌رو شد. به عبارتی متغیرهای سه‌گانه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی راه را بر هر گونه تحول در این کشور بست و آن را منوط به نوع کنش واکنش بازیگران داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی کرد. از این‌رو جدا از تأثیر گذاری و تنوع رویکردهای احزاب و جریان‌های انقلابی در داخل بحرین و نیز نوع واکنش نظام حاکم، نوع رویکرد و تعاملات ایران و عراق از یک‌سوی و شورای همکاری خلیج‌فارس و اتحادیه عرب در سطح منطقه‌ای از سوی دیگر و نیز رویکردها و تعاملات آمریکا، اتحادیه اروپا، شورای امنیت و سازمان‌های بین‌المللی و حتی مذاکرات احتمالی ایران و آمریکا نیز بر سرنوشت این انقلاب اثر گذار شد. در این میان برای بررسی برخی از این متغیرها و چشم‌انداز آینده انقلاب بحرین گفت‌وویی با دکتر «راشد الراشد» از رهبران انقلابی بحرین و عضو شورای مرکزی «حزب عمل اسلامی بحرین» داشته‌ایم:

دو سال از انقلاب تا‌تمام بحرین می‌گذرد. در این فاصله شما چه دستاوردهایی داشته‌اید؟

حرکت مردم بحرین با انقلاب مردمی بحرین وارد سومین سال خود شده است. مردم همچنان در خیابان‌ها تظاهرات می‌کنند و انقلابشان را ادامه می‌دهند. گرچه هنوز مردم بحرین موفق به سرتنگونی «آل خلیفه» نشده‌اند، اما به تعداد زیادی از اهداف خود دست یافته‌اند. ازجمله اینکه مشروعبیت رژیم آل خلیفه را زیر سوال بردند. یعنی اکنون همه جهان می‌دانند دیگر آل خلیفه در بحرین مشروعبیت ندارد و ارتش عربستان سعودی هم (که برای سرکوب مردم به بحرین آمده) به آل خلیفه مشروعبیت سیاسی نداد. بنابراین هنوز انقلابیون بحرین تصمیم دارند انقلاب ادامه یابد. ما می‌دانیم مساله بحرین بعد از دخالت ارتش عربستان و آمریکایی و انگلیسی‌ها تنها مشکل داخلی سیاسی بین مردم بحرین نیست. حالا مشکل بحرین و انقلاب ما بین‌المللی شده است. یکی از نکات مهم این است که مردم بحرین با این انقلاب توانسته‌اند مشکلات سیاسی در بحرین را به‌طور جهانی مطرح کنند. اکنون همه جهان می‌دانند که مشکل سیاسی بزرگی در بحرین وجود دارد و رژیم سیاسی این کشور بدون عدالت اجتماعی، آزادی و حضور حقیقی مردم است.

نقش مخالفان سیاسی در تدوام انقلاب بحرین در چه حدی است؟
انقلاب ما توانسته مردم را در صحنه نقاب نگه دارد به‌گونه‌ای که هر روز می‌بینیم بیشتر از ۵۰۰ منطقه در بحرین در حالت تظاهرات و اعتراض به خیابان‌ها می‌آیند و شعار «الشعب یرید اسقاط النظام» سر می‌دهند. مردم می‌خواهند این رژیم سرنگون شود و مرگ بر آل خلیفه و مرگ بر حمد دیکتاتور سر می‌دهند. مخالفان و مبارزان در بحرین در داخل و خارج از کشور به دنبال پیگیری این انقلاب هستند. ارتش عربستان سعودی، ارتش آل خلیفه و مزدورانی که از سراسر جهان هم نتوانسته‌اند به سرکوب مردم بپردازند. یعنی هنوز این انقلاب ادامه دارد و همه مبارزان و مخالفان در صحنه سیاسی و انقلابی و تبلیغات و حقوق‌بشر حضور دارند و به مبارزه ادامه می‌دهند. من فکر می‌کنم رژیم آل خلیفه نمی‌تواند به حیات یا سلطنت خود ادامه دهد.

آیا رویکرد «الوفاق» در چند ماه گذشته به عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های مخالف انقلاب در گفت‌وگو‌ها با دولت بحرین توانسته است جلو سرکوبگری دولت بحرین را بگیرد؟

مساله این است که الوفاق مهم‌ترین گروه سیاسی بحرین نیست. الوفاق حزبی انقلابی نیست. این انقلاب به دعوت گروه‌های سیاسی بحرینی که رهبران آنها اکنون در زندان هستند، شروع شد. الوفاق بعد از آغاز انقلاب در بحرین مردم را به قیام دعوت نکرد تا در خیابان‌ها حضور یابند و بر ضد سرنوشتی نظام شعار دهند. الوفاق هیچ‌وقت به این مساله که مردم آل خلیفه را نمی‌خواهند، توجه نکرده است. گروه الوفاق به‌دنبال پادشاهی مشروطه هست ولی مردم بحرین دنبال سرنوشتی آل خلیفه هستند. مردم بحرین به‌دلیل رسیدن به پادشاهی مشروطیت یا اصلاح رژیم سیاسی آل خلیفه قیام نکرده‌اند. دو سال تعداد زیادی شهید داده‌ایم اما این مساله به‌دلیل پادشاهی مشروطه نبوده، بلکه براندازی رژیم موردنظر است. اکنون هم پادشاهی مشروطه در بحرین وجود دارد. در واقع مردم از آل خلیفه خسته شده‌اند و پادشاهی در بحرین را نمی‌پذیرند. اما گروه‌های انقلابی در بحرین و رهبران این انقلاب همگی با در زندان یا به صورت تبعید در خارج از کشور به‌سری برند.

یعنی مردم بحرین جلوتر از الوفاق حرکت می‌کنند؟
بله، درست است. الوفاق بارها گفته مرگ بر آمریکا و آل خلیفه نگویید، اما مردم بحرین در خیابان‌ها مرگ بر آمریکا و مرگ بر آل خلیفه می‌گویند.

از دید شما جدا از الوفاق مهم‌ترین جریان‌های سیاسی – انقلابی در بحرین برای تدوام انقلاب در شرایط کنونی کدام گروه‌ها هستند؟

انقلاب مردم بحرین زمینه‌های مختلفی داشت. الوفاق یکی از گروه‌های سیاسی مهم در بحرین است، اما گروه‌های سیاسی مهم دیگری مانند «جنبش وفاق‌الاسلام» و رهبری استاد عبدالوهاب حسین (در زندان و محکوم به زندان ابد هست) در انقلاب نقش دارند. جریان دیگر «جریان حق» با رهبری استاد حسن مشیمه است. وی هم در زندان و با حکم حبس ابد است. همچنین «جنبش عمل اسلامی بحرین» به رهبری علامه شیخ علی محفوظ است. علامه‌محفوظ هم در زندان است. اینها جریان‌های مخالف با آل خلیفه هستند. رهبران این جریان‌ها ایستادگی کرده و گفته‌اند به دنبال برپایی رژیم جمهوری و سرنوشتی آل خلیفه هستند. «هان ان‌شالله تا سرنوشتی آل خلیفه این انقلاب را ادامه می‌دهیم». این سخنان رهبران حقیقی این انقلاب است که یا در زندان، یا در خارج از کشور در تبعید هستند.

آیا اکنون جنبش الوفاق دست به مذاکراتی با دولت زده است؟
الوفاق از آغاز انقلاب دست به گفت‌وگو با دولت زده و فکر می‌کند با گفت‌وگو مساله حل می‌شود، اما مردم می‌گویند با این دولت نمی‌توان گفت‌وگو کرد چراکه تعداد زیادی